

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

۱. م. شیر

۱۴ جنوری ۲۰۱۱

پنجمین دانشمند هسته ئی ایران ترور شد

به گزارش منابع خبری، مصطفی احمدی روشن، یکی دیگر از دانشمندان هسته ئی ایران، معاون بازرگانی مرکز هسته ئی نطنز و یکی از همکارانش صبح روز چهارشنبه، ۲۱ جدی ۱۳۹۰ ترور شدند. یادآوری می شود که ترور این دانشمند جوان، پنجمین مورد از سری ترورهای فعالان عرصه هسته ئی ایران طی دو سال گذشته می باشد که منهای یک مورد آن- حادثه ترور نافر جام دکتر فریدون عباسی دوانی- با موفقیت اجراء شده است. محمد رضا رحیمی، معاون رئیس جمهور ایران، از جمله یکی از اولین مقامات رسمی ایران بود که بلافاصله امریکا و اسرائیل را مسؤول ترور این دانشمند هسته ئی دانست.

تا کنون جامعه جهانی (بخوانید امریکا و متحدانش) و همچنین پادوهای ایرانی آنها ترور این دانشمند ایرانی را محکوم و یا تقبیح کرده اند. دلیل این امر هر چه باشد، طبیعتا هیچ مفهومی جز پشتیبانی و تأیید اقدامات تروریستی ندارد. البته از جامعه جهانی مورد نظر، هیچ انتظاری غیر از این نمی رفت و نمی رود. چرا که ترور، ربودن و سر به نیست کردن فرهیختگان و نخبگان حوزه های علم و فناوری، سیاسی و غیره همواره یکی از اصلی ترین بخش سیاست امپریالیستهای امریکا و اروپا را تشکیل داده و می دهد. ترور و کشتار در حدود شش هزار نفر از روشنفکران و استادان دانشگاههای عراق در همان سالهای اول اشغال نه ساله این کشور، نمونه مشخص این مدعاست.

صرفنظر از صحت و سقم همه ادعاها و مهتم سازی های مقامات رسمی ایران و همچنین، سکوت «جامعه جهانی» در مورد علل و عوامل این ترور و ترورهای مشابه دیگر، بی تردید، قبل از هر دولت و یا هر گروه تروریستی، قبل از هر سازمان جاسوسی- تروریستی مثل سازمان «سیا» و «موساد»، رژیم جمهوری اسلامی ایران به دلایل روشنی، از جمله، به خاطر علنی کردن نخبگان علمی و فناوری کشور و ناتوانی در تأمین امنیت زندگی آنها، مسؤول و پاسخگوی مستقیم همه این ترورها شمرده می شود.

کاربرد متدهای مشابه در ترور مصطفی احمدی روشن و دیگر دانشمندان ایرانی نشان می دهد که بدون همکاری، همدستی و گراهی عوامل بیگانه، به خصوص، اعضای فراماسونری در میان روحانیت حاکم و نفوذ وابستگان

سنتی انگلیس مثل لاریجانی ها در نهادهای سیاسی، نظامی و امنیتی کشور، چنین عملیات تروریستی نمی توانست و نمی تواند به وقوع بپیوندد. به همین سبب، عوامل ترورها را قبل از همه، باید در داخل نهادهای قدرت ایران جست و جو کرد نه در جای دیگر.

رژیم جمهوری اسلامی ایران در طول قریب ۳۳ سال سلطه اختاپوسی و جنگ اندازی بر میهن ما، با تحمیل فجایع و مصایب کم سابقه ای بر مردم و کشور ایران و با ترور، کشتار جمعی و تارومار کردن وقیحانه اکثریت عظیم میهندوستان صادق و آزادخواهان فرهیخته ایران، توان دفاعی کشور و مردم را در مقابل حملات تبلیغاتی، سیاسی، فرهنگی، تروریستی و احتمالا در آینده، نظامی امپریالیسم جهانی و صهیونیسم بین الملل به شدت تضعیف کرد و راه ورود عوامل بیگانه بر نهادهای قدرت کشور را هموار ساخت.

امروز درست در شرایط اوجگیری فشاریهای تبلیغاتی، سیاسی و اقتصادی ارتجاع امپریالیستی علیه کشور و عامه مردم ایران و درست در شرایطی که رژیم ولایت فقیه مشروعیت خود را در نزد عموم مردم ایران از دست داده است، ترور دانشمندان ایرانی را می توان پیش در آمد تهاجم نظامی استعمارگران غرب بر کشور ما تلقی کرد. در چنین شرایط نگران کننده ای اگر احزاب و سازمانهای ترقیخواه و میهن پرست، نخواهند وظیفه ملی و میهنی خود را درک نموده و نخواهند در اتحاد مستحکم و پایدار با هم در جهت دفع حملات «بشردوستانه» امپریالیسم جهانی علیه میهن و مهار زدن به خیره سربهای رژیم جمهوری اسلامی ایران حرکت کنند، لزوما بایستی در انتظار بازگشت ایران به شرایط قبل از انقلاب بهمن سال ۱۳۵۷، یعنی دوره حاکمیت رژیم نواستعماری سابق باشند

<http://eb1384.wordpress.com/2012/01/13/>

۲۲ جدی ۱۳۹۰